

ساختار کتاب

کتاب شب امتحان **عربی، زبان قرآن (۳) دوازدهم** از ۴ قسمت اصلی به صورت زیر تشکیل شده است:

۱) **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

(الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم؛ بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درسنامه، تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

(ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول، مشابه آزمونی را که معلمتان از شما خواهد گرفت، بینید.

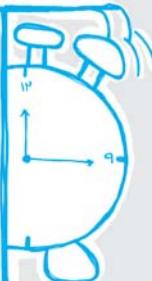
۲) **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

(الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس، تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارد؛ در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

(ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال مواجه خواهید شد. آزمون‌های شماره ۹ و ۱۱ به ترتیب امتحان‌های نهایی خرداد، ۹۸، شهریور و دی ۹۷ است.

۳) **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آنچه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

۴) **درسنامه کامل شب امتحانی:** این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند! در این قسمت تمام آنچه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی، زبان قرآن (۳) نیاز دارید، تنها در ۱۱ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید! یک راهکار: موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤال‌های درس‌های اول و دوم آزمون‌های ۵ تا ۸ هم استفاده کنید.



فهرست

نوبت دوم	نوبت اول (درس ۱ و ۲)	مهارت‌ها
۲	۲	واژه‌شناسی
۹	۹	ترجمه به فارسی
۷	۷	شناخت و کاربرد قواعد
۲	۲	درک و فهم
۲۰	۲۰	جمع

صفحة	صفحة	نوبت	پاسخ‌نامه
۳۷	۳	اول	آزمون شماره ۱ (طبقه‌بندی شده)
۳۸	۶	اول	آزمون شماره ۲ (طبقه‌بندی شده)
۴۱	۹	اول	آزمون شماره ۳ (طبقه‌بندی نشده)
۴۲	۱۲	اول	آزمون شماره ۴ (طبقه‌بندی نشده)
۴۴	۱۵	دوم	آزمون شماره ۵ (طبقه‌بندی شده)
۴۶	۱۸	دوم	آزمون شماره ۶ (طبقه‌بندی شده)
۴۸	۲۱	دوم	آزمون شماره ۷ (طبقه‌بندی شده)
۴۹	۲۴	دوم	آزمون شماره ۸ (طبقه‌بندی شده)
۵۱	۲۷	دوم	آزمون شماره ۹ (طبقه‌بندی نشده): نهایی خرداد ۹۸
۵۳	۳۰	دوم	آزمون شماره ۱۰ (طبقه‌بندی نشده): نهایی شهریور ۹۸
۵۴	۳۲	دوم	آزمون شماره ۱۱ (طبقه‌بندی نشده): نهایی دی ۹۷
۵۶	۳۴	دوم	آزمون شماره ۱۲ (طبقه‌بندی نشده) درس‌نامه توپ برای شب امتحان
۵۸			

رده	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها بهجز رشته انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
نوبت اول پایه دوازدهم	آزمون شماره ۱	درس اول	دید	
۰/۵	به کلمات آبی کتاب پیشتر توجه کنید.	ترجم الکلمات التي تحتها خطٌ.	۱	
الف) «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يَقَاوِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفَاً كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» ب) «أَيَحْسُبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدِّيًّا»				
۰/۵	هر کلمه‌ای را که در درس می‌خوانید به دنبال مترادف و مترادش بگردید.	أَكْتُبُ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَتَيْنِ.	۲	
		الْبُعْثٌ - الْمَرْضٌ - الْسَّيِّرَةٌ - الْقَوْشٌ - الْعَافِيَةٌ - الْقِيَامَةٌ		
۰/۷۵	آیات و احادیث متتن درس، بدون هیچ تغییری در انتهاهات می‌باشد. ولی معمولاً سایر کلمه‌ها کمی تغییر می‌کند، فضلاً فعل های آن‌ها.	ترجم هذه الجمل.	۳	
۰/۵	الف) الحضارات و الرسوم تدل على أنَّ الدين فطريٌّ ولكن بعض الشعائر خرافيةٌ.	۰/۷۵		
۰/۵	ب) كسر إبراهيم الأصنام ثم علق الفأس على كتف الصنم الكبير.	۰/۷۵		
۰/۵	ج) و املا الْدُّنْيَا سلاماً شاملاً كُلَّ الْجَهَاتِ	۰/۵		
۰/۵	د) يتأكد القرآن أنَّ سيروا في الأرض لعلكم ترون عاقبة الكافرين.	۰/۵		
۰/۵	ه) يا ليتنا كنا مع الحسين ﷺ، حتى يقذنا من الجحالت.	۰/۵		
۰/۵	و) لا دين لمن لا عهد له.	۰/۷۵		
۰/۵	ز) إنَّ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ ضَيْفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ.			
۰/۵	گلر معنی کلمه را نمی‌دانید، شاید بتوانید با کمک بقیه کلمات، آن را حدس بزنید.	کتمل القراءيين في الترجمة الفارسية. لا تطعمو المساكين ممّا لا تأكلون.	۴	
		(به) بیچارگان از آن جه .		
۱	فعل ها موم ترین رکن فعله هستند؛ بنابراین باید آن‌ها را به شکل دقیق بشناسید.	ترجم الأفعال التي تحتها خطٌ.	۵	
		الف) الْحَضَارَةُ الْغَرَبِيَّةُ لَئِنْ تَعَلَّمَ النَّاسُ الْعَفَافَ أَبَدًا.		
		ب) قد سُتِّلَ المديِّرُ: أَفِي المدرسة طالب؟		
		ج) لَمْ يَكُنْ لِيَعْضُلُ السُّعُوبِ دِينٌ.		
		د) أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ.		
۰/۵	قواعد مریوط به ترجمه بسیار موم هستند. «لیت» یا «لعل» ... + مشارع = مشارع التزامی.	عَيْنَ الْفِعْلِ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاغِ.	۶	
		الف) لَيْتَ أَجْبَنَيَ بالخير عندما أمورٌ		
		<input type="checkbox"/> يُذْكُرُونِي <input type="checkbox"/> تَذَكَّرُوا		
		ب) جَعَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ عَرَبِيًّا لَعَلَّ النَّاسَ		
		<input type="checkbox"/> تَعْقِلُونَ <input type="checkbox"/> يَعْقِلُونَ		
۰/۲۵	شناخت انواع «لا» در ترجمه بسیار کمک می‌کند.	عَيْنَ الْعِبَارَةِ الَّتِي فِيهَا «لا» التَّافِيَةُ لِلْجِنِّسِ.	۷	
		<input type="checkbox"/> يَا أَيُّهَا النَّاسُ! لَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ.		
		<input type="checkbox"/> لَا يَعْصُبُ الْمُؤْمِنُ فَإِنَّ الْعَصْبَ مَعْسَدَةً.		
		<input type="checkbox"/> لَا سُوءٌ أَسْوَأُ مِنَ الْكَذِبِ.		
۰/۲۵	در زبان عربی هر کت‌ها بسیار موم هستند. بدول پاسخ‌نامه را با وقت مطالعه کنید.	صُعُّ في الفراغ كَلِمةً مُنَاسِبَةً.	۸	
		قال الإمام الحسن ع: أَحْسَنَ الْخَيْرَ الْخُلُقُ الْخَيْرُ.«		
		<input type="checkbox"/> أَنْ <input type="checkbox"/> إِنْ		
۱	تشییف کلمه فعلیه و اسمیه اولین کام برای پاسخ به این گونه سوالات است.	عَيْنَ الْمُحَلَّ الإِعْرَابِ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تحتها خطٌ.	۹	
		الف) «... أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِإِلَهِنَا يَا إِبْرَاهِيمَ»		
		ب) يَتَبَعُ الْحَيَّانُ الْمُفْتَرُسُ فَرِيسَتَهُ.		



نمره

نوبت اول پایه دوازدهم

آزمون شماره ۱

ردیف

درس دوم

- ۱۰ ترجمة الكلمات التي تحتها خط.
الف) يَتَعَبَّدُ في قِيمَةِ جَبَلِ النُّورِ.

۰/۵

ب) هُوَأْ أَسْمَاكِ الرَّيْنَةِ مُعْجَبُونَ.

۰/۲۵

گروه در آخر درس تام تمام همچوی مکسی درس‌ها آمده، ولی همچوی مکسی که کتاب مستقیماً به آنها اشاره کرده مهم‌تر هستند.

- ۱۱ اکتُبْ مفردۃ الكلمة التالیة.
الخیام:

۰/۲۵

عَيْنُ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي الْمَعْنَى.

 الْحَجَر الْتَّرَاب الْمِلَف الْطَّيْن

۰/۷۵

از آیات و احادیث کتاب بدون تغیر سوال می‌شود ولی سایر بیانات کمی تغیر می‌کنند.

- ۱۲ ترجمة هذه الجمل.
الف) قَدْ يَسْتَأْنِي بِنَيٍّ أَنْ يَرِي مبارأة كُرْةِ الْقَدْمِ مِنَ التَّلْفَازِ.

۰/۵

۰/۵

۰/۷۵

۰/۵

۰/۵

۰/۵

۰/۵

۰/۲۵

- ۱۳ ترجمة هذه الجمل.
ب) هُوَ لَا تَهْنَوْا وَ لَا تَحْرَنَوْا وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ》
ج) يَا أَمَاء! إِتَّصِلِي بِمَصْلِحٍ الْحَافِلَاتِ لِأَنَّهَا مُعَطَّلَةٌ.
د) إِلَهِي، عَامِلُنَا بِعَظَلَكَ وَ لَا ثَعَالِمُنَا بِعَذَلَكَ.
ه) بَعْدَ إِطَالَقِ قَطَرَاتِ الْمَاءِ فِي إِتَّجَاهِ الْحَشَرَةِ، تَسْقُطُ الْحَشَرَةُ ثُمَّ تَبَعَّثُ.
و) عِنْدَ وُقُوعِ الْمَصَابِ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ سَرِيعَةً.

۱

- ۱۴ کَلِمَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي التَّرْجِمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.
حين أرى هذا المشهد تمُرُّ أمامي ذكرياتي.
هنگامی که این را می‌بینم، خاطراتم در مقابلم

لطفاً از ترجمه فعل شروع کنید.

۱۵ انتخِبِ الترجمة الصحيحة.

ثَحَاؤُ الطَّالِبَةِ فِي أَدَاءِ وَاجِباتِهَا راضِيَةٍ وَ سَاعِدُهَا.

- (۱) دانش‌آموز (دختر) با رضایت در انجام تکلیف‌هایش تلاش می‌کرد، در حالی که پدرش به او کمک می‌کرد.
 (۲) دانش‌آموز در انجام تکالیف‌ش تلاش می‌کند، در حالی که راضی است و به پدرش کمک می‌کند.

۱

- ۱۶ ترجمة الفعل الذي تحتها خط.
الف) لَمْ لا تَعْمَلُونَ بِوَاجِباتِكُمْ؟
ج) رَجَاء، تَكَائِباً

۰/۵

- ۱۷ عَيْنُ الْفَعْلِ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاغِ.
الف) جَدَّيْ كُلَّ يَوْمٍ فَرِيْضَةُ الصَّلَاةِ فِي الْمَسْجِدِ.

 ثَوَدَيِي كَانَ يَوْدِي أَدَيَتِ

- ب) فِي السَّنَوَاتِ الْمَاضِيَّةِ فِي الْكُتُبِ الْدِينِيَّةِ أَنْ أَوْلَى آيَاتِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ تَرَلَّتْ فِي غَارِ حِرَاءَ.
 كُنْثُ قَدْ تَدَرَّجَتْ زَمِيلِيَّاً لَنْ تَفَرَّأَ

۱

- ۱۸ عَيْنُ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِ لِلْكَلِمَاتِ الْتِي تحتها خط ، في ما يلي:
الف) سَأَلَ الأَبُّ وَ لَدَهُ مُتَعْجِبًا، لَمْ تَبْكِي؟!
ب) لَا يَسْتَطِعُ الصَّعُودُ إِلَى الْغَارِ إِلَّا الأَقْوَابِ.
ج) الطَّالِبَاتُ تَثْرَأْنَ دَرَوْسَهُنَّ مُجَدَّاتٍ. (عَيْنُ الْحِبَرِ فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ).

۱/۵

- ۱۹ عَيْنُ اسْمِ الْفَاعِلِ وَ اسْمِ الْمَفْعُولِ وَ اسْمِ الْمَبَالَغَةِ وَ اسْمِ التَّقْضِيَّةِ وَ اسْمِ الْمَكَانِ فِي مَا يلي:
الف) يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْئِنَةُ * ارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ راضِيَةً مَرْضِيَّةً*)
ب) إِنَّ الْسَّيِّدَ حَسِينِي رَجُلٌ صَبَّارٌ وَ يُسْكُنُ قُربَ الْمَسْجِدِ.
ج) يُعَدُّ جَبَلُ «إِفْرِست» أَعْلَى جَبَلٍ عَلَى مُسْتَوَى الْعَالَمِ.

نمره	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه نوبت اول پایه دوازدهم	کلیه رشته‌ها بهجز رشته انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
۱		معنای واژه و کمی هم درس شما را به پاسخ صحیح می‌رساند.	١- يَتَهَمَّسُ <input type="checkbox"/> ٢- أَبْرَكَةٌ <input type="checkbox"/> ٣- أَقْرَابِينَ <input type="checkbox"/> ٤- أَلْجَارَةٌ <input type="checkbox"/> ٥- أَلْثَجِيبٌ <input type="checkbox"/> ٦- أَلْحَجَ <input type="checkbox"/>	١- من الْقَرَائِضِ الدِّينِيَّةِ وَمِنْ أَجْزَائِهَا السَّعِيُّ وَرَمْيُ الْجَمَارَاتِ. ٢- سَيَّارَةٌ تَسْتَخْدِمُهَا لِلْعَمَلِ فِي الْتَّزْرِعَةِ. ٣- إِذَا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ فِي الطَّعَامِ تَجْدُهَا فِي الطَّعَامِ. ٤- إِنَّهُمْ بَدَأُوا يَتَكَبَّمُونَ بِكَلَامٍ حَقِيقِيًّا.
۲۰	اطلاعات عمومی و آن‌چه در کتاب است برای پاسخ به این سوالات کافی است.		عَيْنُ الْجُملَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسْبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. الف) جَبَلُ التُورِ يَكُونُ مُرْتَفِعًا وَيَتَعُّزُ فِي مَدِينَةِ النَّبِيِّ ﷺ. ب) تَعْدُدُ الْأَلْهَمَةِ مِنَ الْخَرَافَاتِ وَعِبَادَتُهَا مِنَ الْمَعَاصِي الْكَبِيرَةِ. ج) التَّفَارُّ بِالنَّسَبِ مِنْ أَحْسَنِ الْحَسَنَاتِ. د) «الشَّعْب» هُوَ أَهْلُ الْبَلَدِ الَّذِينَ يَعِيشُونَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ وَجَمِيعُهُمْ «شَعْبٌ».	٢٠ ٢١
۲۰	جمع نمرات	موفق باشد		

خوبی	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۸۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
۱	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۹۸	آزمون شماره ۱	ردیف	۱
۱	ب) أنا أتمنى أن أتشرف لزيارتها. د) أنقد إبراهيم قومه من عبادة الأصنام.	ترجم الكلمات التي تحتها خط:	الف) هو واثق أنك شبّه الآخرين. ج) هذا الذي تعرّف بالطحاء وطأته.	۲
۰/۵	عَيْنِ الْمَتَضَادِ وَالْمُتَرَادِ:	الكبار - السَّدَى - الْعُصُور - الصَّرَاع - الصَّغَار - النَّزَاع	(الف) = (ب) ≠	۲
۰/۲۵	عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي الْمَعْنَى:	العظم <input type="checkbox"/> الرجل <input type="checkbox"/> الطين <input type="checkbox"/> القم	۳	
۰/۲۵	أكتب مفردة الكلمة التي تحتها خط:	هُوَ مِنْ أَهْمَ الْكُتُبِ فِي مِصْرَ.	۴	
۰/۵	ترجم العبارات إلى الفارسية:	الف) لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلِمْنَا	۵	
۰/۷۵	ب) كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيَّنَ مُبَشِّرِينَ	ج) ثُمَّ عَلَقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتْفِهِ وَتَرَكَ الْمَعْبَدَ.	۶	
۰/۵	د) الْأَرَافَةُ بِكُمَاةٍ لَيْسَتْ لَهَا أَجْبَالٌ صَوْتِيَّةٌ.	ه) الْحَضَارَاتُ الْقَدِيمَةُ تُوَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالْدِينِ.	۷	
۰/۵	و) هَذَا السَّمَكُ يَنْامُ تَوْمًا حَمِيقًا أَكْثَرُ مِنْ سَنَةٍ.	ز) كُلُّ شَيْءٍ يَرْجُحُ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدْبَرُ.	۸	
۰/۵	ح) عِنْدَمَا تَسْقُطُ الْحَسَرَاتُ عَلَى سَطْحِ الْمَاءِ تَبْلُغُهَا حَيَّةً.	ط) لَا تُشَاهِدُ فِي حَيَاتِهِ إِلَّا النَّشَاطُ عَلَى رَغْمِ الظُّرُوفِ الْقَاسِيَّةِ.	۹	
۰/۷۵	ي) خَافَ هِشَامٌ مِنْ أَنْ يَعْرَفَ أَهْلُ الشَّامِ الْإِمَامَ عَلِيَّ وَتَرَغَبُوا فِيهِ.	ك) حِينَ أَرَى الْحَجَاجَ تَمَرُّ أَمَامِي ذَكْرِيَّاتِي.	۱۰	
۱	إنتخب الترجمة الصحيحة:	الف) كَلَمُ اللَّهِ مُوسَى تَكْلِيمًا	۱۱	
۰/۵	(۱) خدا با موسی سخنی گفت.	ب) كَانَ النَّبِيُّ يَتَعَبَّدُ فِي غَارٍ حِرَاءً.	۱۲	
۰/۷۵	(۲) پیامبر در غار حراء عبادت کرده بود.	ج) تَجْهِيدُ الْأُمَّ لِتَرْبِيَةِ أُولَادِهَا اجْتِهَادًا.	۱۳	
۰/۵	(۳) بی گمان مادر برای تربیت فرزندانش تلاش می کند.	(۱) مادر برای تربیت فرزندان تلاش می کند.	۱۴	
۰/۷۵	(۴) او راه فراری ندارد؛ زیرا آن قسمتی از زندگی است.	(۲) لا فِرَارٌ مِنْهُ: لَا لَهُ قِسْمٌ مِنْ حَيَاتِهَا.	۱۵	
۰/۵	نهنگ برای استخراج از جگرش برای ساخت مواد شکار می شود.	ج) الْحُوتُ يُصَادُ لِاستخراجِ الرَّيْتِ مِنْ كَيْدِهِ لِصَنَاعَةِ مَوَادِ الْتَّجْمِيلِ.	۱۶	



آزمون شماره ۱

ردیف

٠/٥

إنتخِب الفعل المناسب للفراغ:
 الف) الأصدقاء على أنفسهم.

 (٣) يعْتَمِدُونَ (٢) يعْتَمِدونَ

ب) تَحْنُ بيَتًا جميلاً مِنَ الْحَسَبِ.

 (٣) صَنَعُوا (٢) صَنَعْتُ (١) صَنَعْنَا

٨

١/٥

ترجم ما تحته خط:

الف) جاَسَ: همتشينى كرد

٢) هُوَ لَنْ يُجَالِسَ الأَعْدَاءَ.

(١) يا رِجَالٌ، لَا تُجَالِسُوا الْأَشْرَارَ.

ب) تَكَلَّمَ: سخن گفت

٢) إِنَّا فَدَ تَكَلَّمَنَا مَعَ الطَّبِيبِ عَنْ مَرَضِهِ.

(١) مَنْ يَتَكَلَّمُ فِي الْإِمْتِحَانِ يَخْسِرُ.

ج) إِسْتَغْفِرَ: أمرزش خواست

٢) لَيْتَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ لِذُنُوبِهِمْ.

(١) أَيُّهَا النَّاسُ، إِسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِكُمْ.

٩

١/٢٥

مَيِّزَ في العبارات: ١- المفعول المطلق و نوعه ٢- الحال ٣- المستثنى و المستثنى منه.

خلق الإنسان ضعيفاً - اشتريت أنواع الفاكهة إلا أنا ناس - يؤثر في نفسه تأثيراً عميقاً يظهر في آرائه.

١

أكتب المحل الإعرابي لما تحته خط:

الف) حَضَرَ الْمُمْلَأُ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ.

ب) الْجِسْمُ الْقَوِيُّ يَجِدُ بَغْدَاءً مُنْسَابًا لِنَفْسِهِ.

١٠

٢

الف) عَيَّنَ نوع الكلمات: (١) اسم الفاعل: إِسْمُ الْمَفْعُولِ ٢: إِسْمُ الْمُضَافِ ٣: إِسْمُ الْمُبَالَغَةِ ٤: إِسْمُ الْمَكَانِ

سُقُوطُ الْفِرَاغِ مَشَهُدٌ مُرَبِّعٌ - دُبُّ الْبَانِدَعِنَدَ الْوِلَادَةِ أَصْغَرُ حَجَمًا مِنَ الْفَأْرِ - إِنَّهُ رَجُلٌ صَبَّارٌ وَمُحْتَرٌ

ب) ترجم الكلمات التي تحتها خط:

(١) لَا يُمْكِنُ أَنْ تَبْلُغَ تَجْرِيَةُ الْفَرِيدِ الْوَاحِدِ أَكْثَرَ مِنْ عَشْرَاتِ السِّنِينِ.

(٢) «كُلُّ نَفْسٍ ذَانِثَةُ الْمَوْتِ»

(٣) جَعَلَ اللَّهُمَّ الْقَطْبُوحَ عَلَى الْمِنْصَدَةِ.

١١

٠/٢٥

عيَّنَ الجملة التي فيها أسلوب الحصر:

١) لَا تُشَاهِدُ فِي حَيَاتِهِ إِلَّا الشَّاطِئَ.

٢) ما طَالَعْتُ لَيْلَةَ الْإِمْتِحَانِ كِتَابًا إِلَّا كِتَابُ الْعَرَبِيَّةِ.

١٢

٠/٥

عيَّنَ الصحيح و الخطأ حسب الحقيقة و الواقع:

الف) الْخَفَّاشُ هُوَ الْحَيَّوَانُ الْبَلُوُنُ الَّذِي لَا يَقِيرُ عَلَى الطَّيْرَانِ.

٢) الظُّرُوفُ هُيَّا الْأَوْضَاعُ وَالْأَحْوَالُ الَّتِي يُشَاهِدُهَا حَوْنَا.

١٣

٠/٥

إنتخِب الصحيح:

الف) لَوْ لَا السُّرْطَانُ لَا شَتَّدَ أَمَامَ الْمَلَعِ الرِّيَاضِيِّ.

 (٣) المجال (٢) الازدحام (١) الزَّيْتُ

ب) الِّبِرَّا كِلَّ بِيَنِي فَوْقَ جِبَلٍ مُرْتَفَعَةٍ.

 (٣) الحديد (٢) الحشيش (١) العُشُّ

١٤

٠/٥

عيَّنَ الصحيح في التحليل الصّرفي و المحل الإعرابي:

الفائز الأول يرفع عَلَمَ إِيَّارَانَ فِي الْمِبَارَأَةِ.

الف) الفائز:

١) اسْمٌ، جُمُعٌ تَكَسِّيرٌ، مَعْرِفَةٌ بِالْعَلْمِيَّةِ / فَاعِلٌ

ب) يرفع:

١) فعلٌ مُضَارِعٌ، مَعْلُومٌ / خَبْرٌ

١٥

٢) اسْمٌ فاعِلٌ، مَفْرُدٌ، مُذَكَّرٌ، مَعْرِفٌ بِأَلٍ / مُبْتَداً

٢) فعلٌ مُضَارِعٌ، مَجْهُولٌ / فاعِلٌ

١٦

رديف	آزمون شماره ٩٨	كلية رشتهها بهجز رشته انسانی	عربى، زبان قرآن (٣)	زمان آزمون: ٨٠ دقيقة	kheilisabz.com	خواسته
١٧	اقرأ النَّصَّ لِمَ أَحِبْ عَنِ الْأَسْئِلَةِ التَّالِيَةِ: «إِنَّ الزَّرْعَ يُبْتَ في السَّهْلِ وَ لَا يُبْتَ فِي الصَّفَا فَكَذَلِكَ الْحِكْمَةُ تَعْمَلُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَ لَا تَعْمَلُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَارِ» «طَافَ هِشَامٌ وَ لَمَّا وَصَلَ إِلَى الْحَجَرِ لَمْ يَقِدِرْ أَنْ يَسْتَلِمْهُ لِكَثْرَةِ الْأَزْدِحَامِ فَقُصِبَ لَهُ مِنْبَرٌ وَ جَلَسَ عَلَيْهِ» الف) هل الحكمة تعمر في قلب المتكبر؟ ج) لماذا لم يقدر هشام أن يستلم الحجر؟ ب) ماذا نصب لهشام؟ د) أين يبت الزرع؟	نوبت دوم پایة دوازدهم -نهایی خرداد ٩٨	١			
٢٥	موفق باشید	جمع نمرات				

پاسخ‌نامه تشریحی

۱) ای مردم! باطل را از اهل حق نگیرید.

۲) «لا» در فعل «لا تأخذوا»، «لای نهی» است، زیرا فعل را مجزوم کرده (آخر فعل را تغییر داده) و معنای جمله هم فقط در صورتی صحیح خواهد بود که «لای نهی» باشد.

۳) مؤمن خشمگین نمی‌شود، زیرا خشم موجب فساد است.

۴) «لا» در فعل «لا يُعَصِّبُ»، «لای نفی» است، زیرا فعل را مجزوم نکرده (آخر فعل تغییر نکرده).

۵) هیچ بدی زشتتر از دروغ نیست.

۶) «لا» در اینجا نفی جنس است، زیرا اولاً بر سر اسم نکره مفتوح (فتحه‌دار) آمده، ثانیاً معنای «هیچ ... نیست» دارد.

۷) امام حسن عسکری فرمود: همانًا بهترین نیکی خلق نیکو است.

۸) إنْ (اگر) و أَنْ (که) بر سر فعل می‌آیند و أَنْ (که) از حروف مشبه بالفعل است و در وسط جمله می‌آید. در اینجا پاستخ «إن» است، زیرا در ابتدای جمله آمده و از حروف مشبه بالفعل است و جمله بعد از خود را تأکید کرده است.

نکته:

کاربرد	معنی	نوع حرف	حرف
بر سر دو فعل می‌آید و فعل اول را معادل مضارع التزامی می‌کند.	اگر	حرف شرط	إن
بر سر فعل مضارع می‌آید و معادل مضارع التزامی فارسی است.	که	حرف ناصبه	أن
بر سر مبتدا و خبر می‌آید و برای تأکید استفاده می‌شود و معمولاً در اول جمله می‌آید.	همانا	حرف مشبه بالفعل	إن
بر سر مبتدا و خبر می‌آید و معمولاً در وسط جمله می‌آید.	که	حرف مشبه بالفعل	أن

۹) الف) ... أَنْتَ فَعَلْتَ هذَا بِأَهْبَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمَ
مبنداً مفعول

ترجمه: آیا تو با خدایان ما این کار را کردی، ای ابراهیم؟

۱۰) «أَيَا» حرف می‌باشد و نقش دستوری ندارد، پس به کلمه بعد از آن نگاه می‌کنیم. «أَنْتَ» ضمیر است و ضمایر زیرمجموعه اسمها هستند؛ پس «أَنْتَ» مبتدا محسوب می‌شود و «فَعَلْتَ» خبر خواهد بود، اما خبر خودش فعل است و می‌تواند فاعل یا مفعول داشته باشد. اگر به ترجمه توجه کنیم، «هذا» نقش مفعول دارد.

ب) يَتَبَعُ الْحَيَّانُ الْمُتَّرَشُ فَرِيسَتَهُ.

حیوان درنده، شکارش را دنبال می‌کند.

جمله، فعلیه و «الحيوان» فاعل است؛ زیرا اولاً بعد از فعل آمده و انجام‌دهنده کار است. ثانیاً مرفوع (هـ، هـ، ان، ون، ...) است. ضمیر «هـ» که به «فریسه» متصل شده مضافق‌الیه است، زیرا یک قانون کلی وجود دارد: اسم + ضمیر مضاف‌الیه

۱۱- الف) در قلّه کوه نور عبادت می‌کند.

ب) علاقه‌مندان به ماهی‌های زینتی شگفت‌زده هستند.

۱۲- الخیام: چادرها «مفرد: الْخَيْمَةُ»

سنگ ☐ خاک ☐ پرونده ☐ گل ☐

آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

۱- الف) خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کند گویی ساختمانی استوار هستند.

ب) آیا انسان گمان می‌کند که بیهوده رها می‌شود؟

۲- قیامت - بیماری - روش - کنده‌کاری‌ها - سلامتی - قیامت

الْبَعْث = القيامة (رستاخیز)

الْمَرْض (بیماری) ≠ الْعَافِيَة (سلامتی)

۳- الف) تمدن‌ها و رسمنها دلالت دارند که؛ دین فطری است، ولی بعضی مراسم‌ها خرافی است.

ب) ابراهیم بت‌ها را شکست، سپس تبر را بر شانه بت بزرگ آویزان کرد.

ج) و دنیا را از صلحی فراگیر در همه جهت‌ها پر کن.

د) قرآن تأکید می‌کند که در زمین حرکت کنید، شاید سرنوشت کافران را ببینید.

ه) ای کاش ما با حسین بَشِّرَ بودیم تا ما را از نادانی نجات دهد.

و) کسی که هیچ (وفای به) پیمانی ندارد، هیچ دینی ندارد.

ز) همان‌از جمله سنتهای (رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) آن است که مرد با مهمنش تا درب خانه خارج شود.

۴- غذا نهید - نمی‌خوردید

۵- الف) تمدن غربی هرگز پاکدامنی را یاد نخواهد داد.

آن تَعْلُم (لن + فعل مضارع) مستقبل منفی است، پس ترجمة صحیح آن «یاد نخواهد داد» است. نکته دیگری که باید بدانیم این است که «الحضرارة» مبتدا و مؤنث است و «أَنْ تَعْلَمْ» که خبر آن می‌باشد نیز به شکل مؤنث آمده است.

ب) از مדרی سُؤال شده است: آیا در مدرسه دانش آموزی هست؟

قد سُئل (قد + فعل مضارع) معادل ماضی نقلی است، پس ترجمة آن «سُؤال شده است» می‌باشد. همچنین سُئل فعل ماضی مجھول است؛ پس دقت کنید که باید به شکل مجھول ترجمه شود.

ج) برای بعضی از ملت‌ها دینی نبود (بعضی از ملت‌ها دینی نداشتند).

کان» معمولاً معنای «بود» یا «است» می‌دهد و «لم یگن» = ما کان می‌باشد و معنای «بود»، «بوده» است «یا نیست» می‌دهد.

د) بیشتر مردم سپاس‌گزاری نمی‌کنند.

فعل «لا يَشْكُرُون» مضارع منفی است، زیرا «لا» آخر فعل را تغییر نداده؛ پس «سپاس‌گزاری نمی‌کنند» ترجمه می‌شود.

۶- الف) ای کاش دوستانم هنگامی که می‌میرم مرا به خوبی

یاد کنند مرا ☐ یاد کنید مرا ☐ یاد کنند مرا ☐

«يَدْكُرُونَ» به ضمیر «ی» متصل شده و نیاز به نون و قایه دارد (فعل + ن + ی) پس «يَدْكُرُونَ» ترجمه کنیم.

یاد کنند مرا ☐ بیندیشید ☐ بیندیشند ☐

قبل از «يَدْكُرُونَ»، حرف مشبه بالفعل «ليت» آمده، پس فعل را به صورت «مضارع التزامی» ترجمه کنیم.

ب) خداوند قرآن را عربی قرار داد شاید مردم

بیندیشند ☐ بیندیشید ☐ بیندیشند ☐

فعل بعد از «أَعْلَلَ» باید به شکل مضارع التزامی (بیندیشند) ترجمه شود. با آمدن «الناس» نمی‌توان «تَعْقِلُونَ» را برگزید؛ زیرا مخاطب است و از جهت معنا صحیح نخواهد شد. در «تَعْقِلُوا» هم دو اشتباه وجود دارد، زیرا «نون» فعل بعد از «أَعْلَلَ» حذف نمی‌شود (مجزوم نمی‌شود) و از جهت معنا هم جمله صحیح نخواهد بود.



اما «گُنْتْ قَدْ قَرَأْتْ» (کان + [قد] + ماضی) معادل ماضی بعید و به معنای «خوانده بودم» است که از لحاظ معنا کاملاً با جمله هماهنگ است.

۱۸- الف) سَأَلَ الْأَبُ وَلَدَهُ مُتَعَجِّبًا : لَمْ تَبْكِ؟!

مفعول حال

ترجمه: پدر از فرزندش با تعجب پرسید: چرا گریه می کنی؟!

وَلَدَ: بعد از آن فعل «سَأَلَ» آمده و به دو دلیل مفعول است: اولاً از لحاظ معنا «وَلَد» متمم فارسی است که معمولاً معادل مفعول عربی است. ثانیاً «وَلَد» منصوب (-، -، ین، یون...) است.

مُتَعَجِّبًا: به دو دلیل حال است. اولاً بیانگر حالت و ویژگی «الآب» است. ثانیاً منصوب است.

ب) لا يَسْتَطِعُ الصَّعُودَ إِلَى الْغَارِ إِلَّا الْأَقْوَاءِ.

بره و مجرور

ترجمه: به حز نیرومندان کسی نمی تواند به غار صعود کند.

إِلَى الْغَارِ: جار و مجرور است. «إِلَى» به معنای «به، به سوی» است و از حروف جاز محسوب می شود که همواره بعدش اسم می آید.

ج) دانش آموزان (دختر) با تلاش درس هایشان را می خوانند.

خبر: تَقْرَأْنَ

جمله با «الظَّالِمَاتِ» شروع شده و چون اسم است، پس نقش دستوری آن مبتدا خواهد بود. پس از مبتدا، خبر می آید. در اینجا «تَقْرَأْنَ = می خوانند» خبر از نوع فعل است، زیرا توضیح و خبری است که پیرامون دانش آموزان می دهد.

۱۹- الف) ای نفس اطمینان یافته به سوی پروردگاری بازگرد، در حالی که تو از او راضی هستی و او هم از تو راضی است.

المُطْمِئِنَةُ: اسم فاعل است (مُ-...ي) که از فعل ثلاثی مزید ساخته شده است.

راضیه: اسم فاعل است از فعل ثلاثی مجرد که بر وزن «فاعِل» می آید.

مَرْضَيَة: اسم مفعول است از فعل ثلاثی مجرد که بر وزن «مفعول» می آید.

نکته: راضی مفعول مَرْضَوي ← مَرْضَي ← مَرْضَيَة ← مَرْضَيَة

ب) همانا آقای حسینی مردی بسیار صبور است و نزدیک مسجد زندگی می کند.

صَبَّار: اسم مبالغه است، اسم مبالغه معمولاً در وزن های «فَعَال» و «فَعَالَة» می آید و در ترجمه آن از قید «بسیار»، «خیلی» استفاده می کنیم.

الْمَسْجِد: اسم مکان است، اسم مکان معمولاً در وزن های «مَفْعَل»، «مَفْعِل» و «مَفْعَلَة» می آید.

ج) کوه اورست بلندترین کوه در سراسر جهان است.

اعلی: اسم تفضیل است، اسم تفضیل در دو وزن «أَفْعَل» (مذکور) و «فُعْلِي» (مؤنث) می آید.

۲۰- ۱) از واجبات دینی است و از اجزای آن، سعی (تلاش، دویدن) و پرتاب سنگ است. ← حج

۲) خودرویی است که در کشتزارها آن را به کار می گیریم. ← تراکتور

۳) هرگاه نام خداوند در غذا برده شود، در غذا آن را می باییم. ← برکت

۴) همانا آن ها با سخنی آرام شروع به سخن گفتن کردند. ← پیچ بیج می کند

کلمات اضافی؛ آقرابین: قربانی ها، المجبیب: پاسخ دهنده

۲۱- الف) کوه نور مرفق است و در شهر مدینه النبی ﷺ واقع شده است.

نکته: «جَبَلُ النُّور = کوه نور» که غار حراء در آن واقع است در شهر مکه می باشد.

(ب) تعدد خدایان از جمله خرافات و عبادتشان از گناهان کبیره است.

(ج) افتخار کردن به دودمان از بهترین نیکی است.

(د) «مَلَتْ» همان اهل سرزمینی است که در یک مکان زندگی می کنند و «جَمَعْ» آن «شَعْبَ» است.

شَعْب: ملت، جمع مکسر: شَعْوب / شَعْبة: گروهی از چیزی، جمع مکسر: شَعْب

۱۳- الف) گاهی پسر کم مشتاق می شود که مسابقه فوتبال را از تلویزیون ببیند. (قد + مضارع = گاهی ...)

ب) سُسَتْ و غَمَّيْن نشوید، در حالی که شما برترین هستید.

ج) ای مادر جان؛ به تعمیر کار اتوبوس ها زنگ بزن، زیرا آن خراب است.

د) پروگار، با فصلت با ما رفتار کن و با عذلت با ما رفتار نکن.

ه) بعد از پرتاب کردن قطره های آب به سوی حشره، حشره می افتد، سپس آن را می بلعد.

و) هنگام پیدایمدن سختی ها رحمت (خداآن) با سرعت فرود می آید.

۱۴- صحنه - می گذرند

۱۵- گزینه «۲» در این گونه سوالات، ابتدا به ترجمه دقیق فعل ها توجه کنید. «ثَحاوِل» = تلاش می کند و «تَسَاعِدُ» = کمک می کند «این دو فعل مضارع هستند و در گزینه (۱)

به اشتباه به شکل ماضی استمراری ترجمه شده است.

۱۶- الف) چرا تکالیفتان را انجام نمی دهید؟

«لَا تَعْمَلُونَ (لا + فعل مضارع «بدون تغییر») معادل مضارع منفی است و صیغه دوم شخص جمع (جمع مذکر مخاطب) است.

ب) از مواد قندی منع می شویم.

«مَنْعَ» = بازداشت، منع کرد و صیغه متكلّم مع الغیر مضارع آن «تَمْنَعْ» = منع می کنیم می باشد؛ اما توجه داشته باشید که فعل مضارع مجهول است و در ترجمه باید از مشتقات «شدن» استفاده کنیم.

ج) لطفاً نامه نگاری کنید.

نکته: تکاتب: فعل امر است و مشترک بین دوم شخص جمع مذکر و مؤنث است؛ یعنی «صیغه های مثنای مذکر مخاطب» و «مثنای مؤنث مخاطب» - ثلاثی مزید باب «تفاعل» به معنای نامه نگاری کنید.

نکته: تکاتب: مشترک در سه صیغه است. در اینجا قبل از فعل، «رجاء = لطفاً» آمده پس حتماً امر است؛ ولی صیغه آن می تواند مشترک بین «مثنای مذکر مخاطب» و «مثنای مؤنث مخاطب» باشد که در زبان فارسی هر دوی اینها به معنای نامه نگاری کنید می باشد، اما احتمال دیگر نیز وجود دارد که «تکاتب» مثنای مذکر غایب باشد که معنای آن «نامه نگاری کردن» خواهد شد ولی در این جمله این معنا صحیح نخواهد بود.

د) همکلاسی ام را به یاد آورده بودم.

«كَنْتْ قَدْ تَذَكَّرْتُ» (کان + [قد] + ماضی) ساختار ماضی بعید است، پس در ترجمه آن باید از مشتقات «بود» استفاده شود.

۱۷- الف) پدر بزرگم هر روز نماز واجب را در مسجد به جای می آورد.

به جای آوردی

به جای می آورد (مؤنث) - به جای می آوری (مذکور)

«أَذِيَّتْ» فعل ماضی مخاطب است و به معنای «به جا آوردی» است که معنای صحیحی در جمله نخواهد داشت.

«تُؤْدَى» دو وجهی است، اگر سوم شخص مفرد «مفرد مؤنث غایب» باشد به معنای «به جا می آورد» است و از لحاظ معنی صحیح است ولی از نظر جنسیت با فاعلش که ضمیری مستتر (ه) است که به «جَدَّى» = پدر بزرگم بازمی گردد، مطابقت ندارد. اگر دوم شخص مفرد «مذکر مخاطب» باشد به معنای «به جا می آوری» است که چنین معنایی در جمله صحیح نیست؛ اما کان **تُؤْدَى** (کان + مضارع) ساختار ماضی استمراری دارد و به معنای «به جای می آورد» است که هم از لحاظ معنی و هم از جهت مطابقت با «فاعل» صحیح است.

ب) در سال های گذشته در کتاب های دینی خوانده بودم که اولین آیات قرآن کریم در غار حراء نازل شد.

نخواهیم خواند می خواندیم

«لَئِنْ تَفَرَّأْ» (لن + مضارع) معادل مستقبل منفی و به معنای «نخواهیم خواند» است و با توجه به این که در جمله قید «سال های گذشته» آمده از لحاظ معنی صحیح نخواهد بود.

«كَنَّا تَفَرَّأْ» (کان + مضارع) ساختار ماضی استمراری دارد و به معنای «می خواندیم» است و با توجه قید «سال های گذشته» ترجمه دقیقی نیست.

د) گزینه «۱» «لا» در این جمله «لا»ی نفی جنس است، زیرا بر سر اسمی آمده که فتحه (۲) دارد، ثانیاً به معنای «هیچ ... نیست» می‌باشد. در گزینه (۳) «لا» نفی جنس «و ضمیر «ها» در «حياتها» نیز ترجمه نشده‌اند.

۷- (الف) گویی که - به دست نمی‌آید (حاصل نمی‌شود)

ب) صلحی - بُرْ کن ج) روغن - آرایشی

۸- (الف) دوستان بر خودشان

(۱) اعتماد می‌کنید (۲) اعتماد می‌کنند (مذکور)

(۳) اعتماد می‌کنند (مؤنث)

«الأَصْدِيقَاءُ» جمع مذكر است، پس گزینه (۳) غلط است، زیرا آن فعل مؤنث است. هم‌چنین گزینه (۱) نیز غلط است، چون در جمله معنای صحیحی نخواهد داشت.

ب) ما خانه‌ای زیبا از چوب

(۱) ساختیم (۲) ساختم (۳) ساختند

با توجه به «نحن» در جمله باید فعل را نیز مطابق آن یعنی فعل اول شخص جمع (متکلم مع الغیر) بیاوریم که «صَنَعْنَا» چنین است.

۹- (الف) جائس: همنشینی کرد

(۱) ای مردان، با بدھا همنشینی نکنید.

«لَا تُجَالِسُوا» (لا + مضارع مجزوم = نهی) فعل نهی و صیغه آن دوم شخص جمع (جمع مذكر مخاطب = لِمُخَاطَبَيْنَ) است، پس «همنشینی نکنید» ترجمه می‌شود.

(۲) او با دشمنان همنشینی نخواهد کرد.

نکته: منظور از مجزوم این است که هرگاه «لَمْ لَـ» (امر)، «لا (نهی)» بر سر فعل مضارع باید، آخر آن را تغییر می‌دهد، یعنی اگر حرکت حرف آخر فعل مضارع ضمه (۲) باشد، آن را ساکن (۱) و اگر آخر آن «ن» باشد، آن را حذف می‌کند. (به جز جمع مؤنث آن يُجَالِسُ (لن + مضارع = مستقبل منفي) فعل مستقبل منفي و صیغه آن سوم شخص جمع (فرد مذكر غایب = للغائب) است، پس ترجمه آن «همنشینی نخواهد کرد» می‌باشد.

ب) تَكَلَّمَ: سخن گفت

(۱) هر کس در امتحان سخن بگوید، زیان می‌کند.

من يَتَكَلَّمُ في الامتحان يَخْتَسِرُ.

ادانت شرط فعل شرط هوان شرط

می‌دانیم که فعل شرط مضارع را می‌توانیم به شکل مضارع التزامی (ابا + بن مضارع + شناسه) ترجمه کنیم، پس ترجمه صحیح فعل «سخن بگوید» خواهد شد.

(۲) همانا ما با پرسش درباره بیماری اش سخن گفته‌ایم:

قد تَكَلَّمَنا (قد + ماضی = ماضی نقلی) فعل ماضی نقلی، صیغه اول شخص جمع (متکلم مع الغیر) است، پس «سخن گفته‌ایم» ترجمه می‌شود.

ج) إِسْتَغْفَرُ: آمرزش خواست

(۱) ای مردم، برای گناهاتتان طلب آمرزش کنید (آمرزش بخواهید).

«إِسْتَغْفِرُوا» فعل امر، صیغه دوم شخص جمع (جمع مذكر مخاطب) و باب استفعال است؛ پس ترجمه آن «طلب آمرزش کنید» می‌شود.

نکته: به حرکات فعل‌های ثالثی مزید خیلی دقت کنید. مثلاً «إِسْتَغْفِرُوا» (آمرزش بطلبید) فعل امر است و «إِسْتَغْفَرُوا» (آمرزش خواستند) فعل ماضی است.

(۲) ای کاش آن ها برای گناهاتشان آمرزش بخواهند.

«أَيْتُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (لیت، آغل، ... + مضارع ← مضارع التزامی) به شکل مضارع التزامی ترجمه می‌شود، پس ترجمه دقیق آن «آمرزش بخواهند» می‌باشد.

۱۰- حَلْقُ الْإِنْسَانُ ضَعِيفِيَاً. (انسان ضعیف آفریده شد.)

هـ

«ضَعِيفِيَاً» اولاً بیانگر حال انسان است، ثانیاً منصوب است، ثالثاً در آخر جمله آمده پس نقش حال دارد.

إِشْرَيْثُ أَنْوَاعَ الْفَاكِهَةِ إِلَّا أَنَانَاسٍ. (انواع میوه را خریدم جز آناناس.)
مستثنی منه

اسم بعد از «إِلَّا» مستثنی است پس «أناناس» مستثنی است و مجموعه‌ای که قبل از «إِلَّا» آمده و «مستثنی» از آن جدا شده یعنی «أنواع الفاكهة» مستثنی منه است.

﴿آزمون شماره ۹﴾ (نوبت دوم)

۱- (الف) او مطمئن است که تو شبیه دیگران هستی.

ب) من آرزو دارم که به زیارت شش مشرف شوم.

ج) این کسی است که سرزمه مگه قدمگاهش را می‌شناسد.

د) ابراهیم مردمش را از عبادت بیت‌ها نجات داد.

۲- بزرگان - بیوهوده - عصرها - کشمکش - کودکان - کشمکش

(الف) الصَّرَاع = الزَّرَاع (کشمکش)

ب) الْأَكْبَار (بزرگان) ≠ الصَّغَار (کودکان)

۳- دهان گل پا

۴- او از مهمترین نویسنده‌گان در مصر است.

الْكَتَاب مفرد الکاتب: نویسنده

۵- (الف) جز آن چه به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی نداریم (برای ما نیست).

ب) مردم اقتی واحد بودند، پس خداوند پیامبران را بشارت‌دهنده فرستاد.

ج) سپس تبر را بر روی شانه‌اش آویخت و معبد (عبدتگاه) را ترک کرد.

د) زرافه لال است و تارهای صوتی ندارد.

ه) تمدن‌های قدیم توجه انسان به دین را تأکید می‌کنند.

و) این ماهی بیشتر از یک سال به خوابی عمیق فرو می‌رود.

ز) هر چیزی هنگامی که زیاد شود ارزان می‌شود جز ادب.

ح) هنگامی که حشرات روی آب می‌افتد آن ها را زنده می‌بلعد.

ط) با وجود شرایط دشوار، در زندگی اش جز فعالیت نمی‌بینیم. (با وجود شرایط دشوار، فقط در زندگی اش تلاش می‌بینیم).

ی) هشام ترسید که مردم شام، امام را بشناسند و به او علاقه‌مند شوند.

ک) هنگامی که حاجیان را می‌بینم، خاطراتم از مقابلم می‌گذرد.

۶- (الف) گزینه «۲» «تکلیماً»: مفعول مطلق تأکیدی است، زیرا از جنس فعل جمله و منصوب (ـ، بـ، بـ، ...) است و بعد از آن صفت یا مضارع‌الیه نیامده و در ترجمه آن از قیدهای تأکیدی قطعاً، حتماً ... استفاده می‌کنیم؛ اما در گزینه (۱) قید تأکیدی نیامده است.

ب) گزینه «۱» «كان يَتَعَبَّدُ» (كان + مضارع) معادل ماضی استمراری است، پس ترجمه آن «عبادت می‌کرد» می‌شود. در گزینه (۲) فعل به شکل ماضی بعید ترجمه شده است.

ج) گزینه «۲» «إِجْتَهَادًا»: مفعول مطلق تأکیدی است زیرا از جنس فعل جمله و منصوب (ـ، بـ، بـ، ...) است و بعد از آن صفت یا مضارع‌الیه نیامده پس مفعول مطلق است و باید

آن را به شکل قید تأکیدی (قطعاً، حتماً، بـ گمان، ...) ترجمه کنیم؛ اما در گزینه (۱) قید تأکیدی نیامده است. هم‌چنین ضمیر «ها» در «أولادها» ترجمه نشده است.

یُؤَثِّر فی تَأثِيرًا عَمِيقًا يَظْهُر فی آرَائِه.

مفعول مطلق نوعی

در خودش تأثیر عمیقی می‌گذارد که در نظریاتش آشکار می‌شود.

«تأثیر» از جنس فعل جمله و منصوب است، پس مفعول مطلق است و چون بعد از آن

صفت «عمیقاً» آمده در نتیجه مفعول مطلق نوعی محسوب می‌شود.

11- الف) حَضَرَ الرُّمَلَةَ في صَالَةِ الْإِمْتَحَانِ.
فَاعلَيْهِ مضاف اليه

همکلاسی‌ها در سالن امتحان حاضر شدند.

«الرُّمَلَة»: بعد از فعل آمده و مرفوع (م...، ان، ون,...) است و انجام‌دهنده کار است، پس

نقش دستوری آن «فاعل» است.

«الإِمْتَحَان»: مضاداً اليه است و «صالَةِ الْإِمْتَحَان» = سالن امتحان «تركيب اضافی است.

«جَاهِيَّة»: بهترین راه شناخت مضاد و مضاداً اليه مراجعه به معنا است ولی علامات‌های

دیگری نیز وجود دارد. هرگاه دو اسم (اسم + اسم) در کنار یکدیگر قرار بگیرند و شرایط

زیر را داشته باشند، اسم اول مضاد و اسم دوم مضاداً اليه خواهد بود.

اسم

«ال» نداشته باشد.

«تَوْرِين» نداشته باشد.

«ن» مثنی و هم مع نداشته باشد.

مضاداً اليه

«ال» نداشته باشد.

«تَوْرِين» نداشته باشد.

«ن» مثنی و هم مع نداشته باشد.

مضاد

مثال: كتاب المعلم = كتاب معلم

ب) الْجِسمُ الْقَوِيُّ يَجْذُبُ غَذَاءً مُنَاسِباً لِتَفْسِيَّهِ.

صفت مفعول

ترجمه: بدن نیرومند غذاي مناسبی را برای خودش جذب می‌کند.

○ «الْقَوِيُّ»: صفت است و «الْجِسمُ الْقَوِيُّ» (بدن نیرومند) تركیب وصفی است.

«جَاهِيَّة»: بهترین راه تشخیص صفت و موصوف مراجعته به معنا است، ولی نشانه‌های دیگری

را نیز بررسی کنید. هرگاه دو اسم (اسم + اسم) در کنار یکدیگر قرار بگیرند به شرط این که

در جنس (ذکر، مؤنث)، در تعداد (مفرد، مثنی، جمع)، حرکت و اعراض و همچنین در

معرفه و نکره با یکدیگر مطابقت داشته باشند اسم اول موصوف و اسم دوم صفت خواهد بود.

مثال: الْعِلْمُ النَّافِعُ = علم سودمند / رَجُلٌ عَالِمٌ = مردی دانشمند

○ «غَذَاء»: مفعول است زیرا اولاً بعد از فعل (یَجْذُب) آمده، ثانیاً در جواب «چه کسی را

و چه چیزی را؟» می‌آید، ثالثاً منصوب است.

12- الف) سقوط الفراخ مشهد مربع. (افتادن جوجه‌ها صحنه ترسناکی است).
اسم مکان اسماً فاعل

«مَسْهَد»: اسم مکان است، زیرا بر وزن «مَفْعُل» است و می‌دانیم که اسم مکان معمولاً

دارای سه وزن مَعْلُ، مَعْلُ و مَعْلَة است.

«مَرْعِبٌ»: اسم فاعل از فعل ثلاثی مزید است (م...ـ...ـ).

«جَاهِيَّة»: در سال‌های گذشته خوانده‌ایم که اگر از فعل ثلاثی مزید بخواهیم اسم فاعل

بسازیم به روش رویه و عمل می‌کنیم: (۱) حروف مضارعه (ی، ت، آ، ن) را حذف می‌کنیم

و به جای آن «م» می‌گذاریم: (۲) «عین الفعل» را کسره (ی) می‌دهیم. خلاصه (مـ...ــ).

مثل مُجْتَهَد = تلاشگر.

دُبُّ الباندا عنَد الولادة أَصْغَر حجمًا منَ التَّارِ.

اسم تفضیل

ترجمه: اندازه پاندا هنگام تولدش از موش کوچک‌تر است.

«أَصْغَر»: اسم تفضیل مذکور است زیرا بر وزن «أَفْعُل» و مؤنث اسم تفضیل وزن «فُعلی» است.

پادکشی: در ترجمه اسم تفضیل (تر، ترین) دقت کنید. اگر بعد از فعل حرف «من»

بیاید صفت تفضیلی (تر) و اگر بعد از آن اسم باید صفت عالی (ترین) ترجمه می‌شود.

إِنَّهُ رَجُلٌ صَبَّارٌ وَ مُحْتَرَمٌ. (همانا او مردی بسیار بدببار و مورد احترام است).

اسم مبالغه اسماً مفعول

«صَبَّار»: اسم مبالغه است زیرا بر وزن «فَعَال» است. البته می‌دانیم که وزن «فَعَالَة» نیز

اسم مبالغه است.

درس نامهٔ توب برای شب امتحان

۱۰۱: به معنای «که» می‌باشد.

۱۰۲: بین دو جمله می‌آید و آن دو به هم پیوند می‌دهد.

مثال: ﴿أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَاب﴾

بدانید که خداوند دارای مجازات شدید است. (شدید مجازات می‌کند). (المادة/۹۸)

نکته:

کار کرد	معنا	نوع حرف	
در ابتدای جمله و بر سر جمله اسمیه می‌آید و مبتدا را منصوب می‌کند.	همانا، قطعاً	حرف مشبه بالفعل	إن
در وسط جمله می‌آید و دو عبارت را به هم پیوند می‌دهد.	که	حرف مشبه بالفعل	أن
ابتدای جمله می‌آید و آن را شرطیه می‌کند و فعل شرط و جواب شرط را مجزوم (ثـ، ـ) می‌کند و معنای فعل شرط را به مضارع التزامی تبدیل می‌کند.	اگر	ادات شرط	إن
هرماه فعل مضارع می‌آید و آن را منصوب (ـ، ـ) می‌کند و معنای آن را به مضارع التزامی تبدیل می‌کند.	که	حرف ناصبه	أن

۱۰۳: هر وقت **كأن** را در جمله‌ای دیدید آن را «گویی» و «مانند» ترجمه کنید.
كأن ارضاً جمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا تُذْرُكُ: **گویی** خشنودساختن همه مردم، هدفی است که به دست نمی‌آید.

۱۰۴: به معنای «ولی» و «اما» می‌باشد.

مثال: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنفَسُهُمْ يَظْلَمُونَ﴾

خداوند هیچ به مردم ستم نمی‌کند ولی این مردم‌اند که به خویشتن ستم می‌کنند. (یوش/۴۶)
نکته: **لکن** را با «لکن» اشتباہ نگیریم. «لکن» آخرش ساکن است و معنایش هم تقریباً با «لکن» یکی است، ولی حرف مشبه بالفعل نیست بلکه حرف عطف است.

۱۰۵: به معنای «لیت» هم می‌آید و به معنای «کاش» و «ای کاش» است.

۱۰۶: **يا ليتني أطغنا الله**: **ای کاش** ما خدا را اطاعت می‌کردیم (کرده بودیم). (الاحزاب/۶۶)
نکته: هرگاه «لیت» به ضمیر متصل **ی** وصل شود، بین این دو «نون و قایه» می‌آید و به شکل «ليتشی» می‌نویسیم (لیت + ن «و قایه + ی = لیتني»).

مثال: **يا ليتشي كنث ترايا**: **ای کاش** من خاک بودم. (النبأ/۴۰)

۱۰۷: به معنای «شاید» و «امید است» ترجمه می‌شود.

مثال: **تعل الساعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا**: **شاید** قیامت نزدیک باشد. (الاحزاب/۶۳)

نکته: **تعل** = شاید، امید است «را با لیت = ای کاش» اشتباہ نگیرید؛ خیلی از بجهه‌ها این دو را جایه‌جا می‌گیرند.

نکته ممنون:

حتماً تا به حال متوجه شده‌اید که ترجمه انواع فعل در کتاب شما بسیار مورد تأکید است؛ بنابراین حالا بینیم که **لیت** و **تعل** در ترجمه فعل چه تغییری ایجاد می‌کنند.

نکته: اگر جمله‌ای دارای **لیت** و **تعل** باشد و بعد فعل مضارع باید (لیت یا **تعل** ... + فعل مضارع) آن فعل مضارع را به صورت «مضارع التزامی» (ـ + بن مضارع + شناسه) ترجمه می‌کنیم.

لیت یا **تعل** ... + فعل مضارع = مضارع التزامی

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: الدِّينُ وَالْتَّدِينُ

﴿الْحُرُوفُ الْمُشَبَّهَةُ بِالْفِعْلِ﴾ وَ ﴿الْتَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ﴾ وَ معنای آن‌ها

الحرف المشبهة بالفعل

به مثال‌های زیر توجه کنید:

الف ﴿إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَمْشَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾

بی‌گمان وعده خدا حق است ولی بیشتر آن‌ها نمی‌دانند. (یوش/۵۵)

ـ ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

آیا ندانستی **که** حکومت آسمان‌ها و زمین، از آن خدادست؟ (البقرة/۱۰۷)

به حروفی مانند **إن**، **أن**، **لكن**، **لَيْت**، **تعل** «حرف مشبهة بالفعل» می‌گوییم.

این حروف بر سر جمله اسمیه می‌آیند و اعراب مبتدا را تغییر می‌دهند؛ یعنی مبتدای جمله را اسم خود و منصوب (ـ، ـ، بـ، ...) می‌کنند.

بهتر است به چند مثال زیر به همراه تغییر حرکات کلمات توجه کنید:

الف ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾: **همانا** خداوند بدکاران را دوست ندارد. (القصص/۷۷)

اسم **إن** و فبر **إن**
منصوب

ـ **تعل** النَّصْر فَرِيْب: امید است پیروزی نزدیک باشد.

اسم **تعل** فبر **تعل**
و منصوب

در مثال‌های بالا «الله» و «النصر» اسم **إن** و **تعل** هستند و همان‌طور که می‌بینید همه این اسم‌ها منصوب (ـ، ـ، بـ، ...)ند.

اما یک نکته! اسم «حرف مشبهة بالفعل» می‌تواند ضمیر متصل باشد، مانند:

ـ **كَلَّ هُمْ بَيْانٌ مَرْضُوضٌ**: **گویی** آن‌ها ساختمانی استوارند. (الصف/۴)
اسم **كَلَّ** فبر **كَلَّ**

فن ترجمه

آشنایی با معنای حروف مشبهة بالفعل بسیار مهم است؛ پس به مثال‌ها و نکاتی که مطرح می‌کنیم توجه کنید.

ـ **إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ**: **قطعاً** خداوند بخشندۀ است.

ـ **إِنَّ اللَّهَ غَالِبٌ** در اول جمله می‌آید.

ـ **هُرَّكَاه إِنْ** به ضمیر «نا» متصل شود آن را به صورت **إِنَا** و **إِنْتَا** می‌نویسیم.

ـ **إِنَّ أَعْلَمُنَاكَ الْكَوَافِرَ**: **به درستی که** ما به تو خیر زیاد عطا کردیم. (الکوثر/۱)

ـ **هُرَّكَاه إِنْ** به ضمیر متصل **ي** وصل شود، می‌توان بین این دو «نون و قایه» آورد

و به شکل **إِنْتِي** بنویسیم (إن + ن «و قایه + ی = إنْتِي»).

ـ **إِنِّي أَنَا اللَّهُ**: **به درستی که** من همان خدای هستم. (البقرة/۱۴)

ـ **هُرَّكَاه إِنْ** به ضمیر متصل **ما** به **إِنْ** متصل شود **إِنْما**، معنی **ـ** **ـ** و **فَقْطَ** می‌دهد و دیگر

از حروف مشبهة بالفعل نیست.

ـ **إِنَّ الْفَحْرُ لِـ** **ـ** **ـ** ثَـ: افتخار **ـ** به خردی استوار است.

مثال: إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

مقارع

بی‌گمان ما قرآنی را (به زبان) عربی قرار دادیم امید است شما خودورزی کنید. (الزخرف/۳)

همان طور که در مثال می‌بینید «تعقلون» = خودورزی می‌کنید فعل مضارع است ولی چون قبل از آن «لعل» آمده به شکل «مضارع التزامی» ترجمه می‌کنیم.

مثال: يَا لَيْتَ قَوْمِيْ يَعْلَمُونَ

مقارع التزامی

ماشی

اگر موافقید از هر کدام دوباره مثالی ببینیم:

مثال: لَعْلَ الْطَّلَابِ يَجْتَهِدُونَ

مقارع

ماشی

مثال: لَيْتَ الشَّبَابَ يَعْوَذُ

مقارع

ماشی

اگر جمله‌ای دارای **لیت** و **لعل** باشد و بعد فعل ماضی بباید (لیت یا لعل) ... + فعل

ماضی) آن فعل ماضی را می‌توان به صورت **ماضی استمراری** (می+ماضی+شناشه) ترجمه کرد.

(لیت یا لعل) ... + فعل ماضی = ماضی استمراری

مثال: لَيْتَنَا إِمْتَعَنَا

ماشی

ماشی استمراری

در نکته قبل گفتیم که «لیت» ... + فعل ماضی ... = ماضی استمراری

اما لازم است بدانیم که اگر به صورت ماضی بعید (بن ماضی + ه + فعل بود + شناسه) هم ترجمه کنیم، صحیح است.

مثال: لَيْتَنَا شَاهَدْنَا

ماشی

ماشی

کاش همه شهرهای کشورم را می‌دیدیم. (ماضی استمراری) ← ترجمه صحیح تر

کاش همه شهرهای کشورم را دیده بودیم (ماضی بعید) ← ترجمه صحیح

لَا التَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ

به مثال‌های زیر توجه کنید:

الف لَا لِيَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْأَعْفَافِيةِ: هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست.

ث لَا عِبَادَةٌ مِثْلُ التَّفْكِيرِ: هیچ عبادتی همانند اندیشیدن نیست.

در مثال‌ها «لای نفی جنس را می‌بینید.

«لای نفی جنس بر سر جمله اسمیه می‌آید و حرکت مبتدا را تغییر می‌دهد؛ یعنی مبتدا را اسم خود و مفتوح (ه) می‌کند.

به چند مثال دیگر به همراه تغییر حرکات کلمات توجه کنید.

الف لَا فَقْرٌ أَئِنَّدُ مِنَ الْجَهْلِ: هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست.

اسم (لای) فهر (لای)

نفی هنس نفی هنس

ب لَا جَهَادٌ كَيْهَادِ النَّفَّيْسِ: هیچ پیکاری مانند پیکار با نفس نیست.

اسم (لای) فهر (لای)

نفی هنس نفی هنس

فَنَّ تَرْجِمَه

خوب! برویم سراغ اصل داستان که ترجمه «لای نفی جنس» است.

«لای نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست» یا «اصلًا ... وجود ندارد» می‌باشد.

به مثال‌ها توجه کنید:

مثال: لَا مِيرَاثٌ كَأَلَادِبِ: هیچ میراثی مانند ادب نیست. (اصلًا هیچ میراثی مانند ادب وجود ندارد.)

ث لَا إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ: هیچ معبودی جز الله نیست.

كلمات و عبارات مهم درس

فعل ها

- أقام - يقيّم: بر پا کرد - بر پا می‌کند
 ظُوّگُدُ: تأکید می‌کند
 ازدادُت: افزایش یافت
 يَحْسُبُ: گمان می‌کند
 لَيْبَيْنَوَا: تا آشکار کنند
 كَسَرَ: شکست
 حاولَ: تلاش کرد
 لَمَّا خَرَجَ: هنگامی که بیرون رفت
 ظَنَوَا: گمان کردن
 سَأَلُوا: از او پرسیدند
 إِسْأَلُوا: بپرسیدند
 يَدْعُوا يَتَهَامُونَ: شروع به پیچ کردن
 أَنْصُرُوا: باری کنید
 أَنْقَدَهَا: او را نجات داد

ساير کلمات و عبارات

- شَعْبٌ: ملت
 حَنِيفًا: یکتاپرستی نسل یا زادی از مردم
 الْحَضَارَاتُ: تمدنها
 الْكِتَابَاتُ: کتبهایها



سوی: به جز	ما یلی: آن چه می آید
داء: بیماری	العصب: پی
الأنشودة: سرود	لا تُعَذِّبْ: عصباتی نباش
البسمات: لبخندها	سعید: خوش بخت
أی: کدام، هیچ، هرگونه	أداء الواجبات: انجام دادن تکالیف
إحْمِنِي: از من نگهداری کن (حمی، یحمی)	الحظ: بخت
القرآن: خواندن، کتاب خداوند	غاية: هدفی

متارف

أَنَارٌ = أضاء (روشن کردن)	تَجْبُّ = الإبتعاد (دوری کردن)
مُوَحَّدٌ = حنیف (یکتاپرست)	إِرْدَادٌ = كثیر (زیاد شد)
حرق = أشعل (سوزاند)	الصَّرَاع = التَّزَاع (کشمکش)
ساعَدَ = أعاان (بیماری)	الدَّاء = المَرْض (بیماری)
بَعْثٌ = قيمة (رستاخیز)	السَّلَام = الصَّلْح (آشتی، صلح)
رَمَى = قذف (برتاب کرد، انداخت)	مَرْصُوص = سَدِيد (محکم)
أم = أُو (یا)	إِنْشَارٌ = سُور (شادی)
شعائر = مراسم (مراسم)	بُنْيَان = بناء (اساس، پایه)
لَعْلٌ = عَسْنی (شاید، امید است)	أَعْانَ = ظَصَر (یاری کرد)
مُزارع = فلاح (کشاورز)	سُدَى = عَبَث (بیهوده)
سَبَّ = فُحش (دشنام)	يَحْسَبُ = يَظْنُ (گمان می کند)
حنیف = مُوحَد (یکتاپرست)	أَعْجَبٌ = أَغْرِب (عجبیتر، عجیب‌ترین)

متضاد

الصَّرَاع (کشمکش) ≠ السَّلَام (آرامش)	عافية (سلامتی) ≠ مَرْض (بیماری)
خفی (پنهان) ≠ ظاهر (آشکار)	العافية (سلامتی) ≠ الداء (بیماری)
حنیف (یکتاپرست) ≠ مُشرِك (کسی که برای خدا شریک قائل است).	أَجْمَل (زیباتر، زیباترین) ≠ أَقْبَح (زشتتر، زشتترین)
بَسْمَة (خنده) ≠ بُكاء (گریه)	عَرِيض (واسیع) ≠ ضيق (تنگ)

جمع مکسر

ترجمه	مفرد	جمع
ملت، نژاد	السُّبْع	السُّعُوب
اثر، بازمانده	الأُثْر	الآثار
كتبه	الكتيبة	الكتابات
كنده کاری	الْفَقْش	الْتَّقْوَش
چهره	الوجه	الوجوه
نقاشی	الرَّسَم	الرُّسُوم
تدیس	الشَّمَال	الشَّمَائِيل
مظاهر، مراسم	السَّعِيرَة	السَّعَائِر
خدا	إِلَه	الآلهَة
قربانی	القرابین	القرابین

الرُّسُوم: نقاشی‌ها
الشَّعَائِر: مراسم‌ها
الثَّجَبَن: دوری کردن
ثَبَارَكَ وَتَعَالَى: بزرگ و بلند مرتبه است
الصَّرَاع: کشمکش
وَحِيدَة: تنهایی
الكَفِ: شانه
الإِلْهَيَام: توجه کردن
الثَّدَيْن: دینداری
الثَّدَيْنِ: دینداری

متن درس

﴿أَقِمْ وَجْهَكَ لِلَّهِ كِيْنَ حَنِيفًا وَ لا تَكُونَنَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾:
با یکتاپرستی به دین روی آور و هرگز از مشرکان نباش. (یوشع/ ۱۰۵)
لا سُعَبَ مِنْ شَعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا ...: هیچ ملتی از ملل زمین نیست مگر ...
تَعَدُّدُ الْأَيْمَةَ وَ تَدْبِيْمُ الْقَرَابِينِ: چندگانگی خدایان و پیشکش کردن قربانی‌ها
﴿أَيَحُسْبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتَرَكَ سُدِّيًّا﴾:
آیا انسان گمان می کند که بیهوده رها می شود؟ (القيامة/ ۳۶)

قدْ حَدَّثَنَا الْقَرْآنُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ صِرَاعِهِمْ:
قرآن با ما درباره روش پیامبران ﷺ و کشمکش آن‌ها سخن گفته است.
حاولَ أَنْ يُنْتَهِيَّ قَوْمَهُ: تلاش کرد که قوم خود را نجات دهد،
حَمَلَ أَفْسَأًا وَ كَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ: تبری را برداشت و همه بتها را شکست.
﴿أَأَتَثْ قَعْلَتْ هَذَا بِالْهَتَّنَا يَا إِبْرَاهِيمَ﴾:
ای ابراهیم، آیا تو این کار را با خدایان ما انجام دادی؟ (الأنبياء/ ۶۰)
لَمْ تَسْأَلُونِي؟ إِسَالُوا الصَّمَمَ الْكَبِيرَ: چرا از من می پرسید؟ از بت بزرگ پرسید
بَدَا الْقَوْمُ يَهَامِسُونَ: مردم شروع به بیچ پیچ کردند.

كلمات و عبارات تمارین

لَمْ يَكُنْ: نبود
لَا تَدْرِكُ: به دست آورده نمی شود (به دست نمی آید)
لَا يَعْرِفُكُ: نباید تو را غمگین کند.
أَلْيَعْثُرُ: رستاخیز
كُشْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: نمی دانستید
لَا تَحْرُنْ: غمگین نباش
جَعَلَنِي: من را قرار داد
الْتَّسَبَ: دودمان، نژاد
لَا يُضْعِفُ: تیاه نمی کند
يَسْتَوِي: برابر هستند
بَدَؤُوا يَتَكَلَّمُونَ: شروع به سخن گفتن کردن
مُدْنُ: شهرها
كُثُرَ: گنج
سِنْ عَرِيشَةَ: دندانی پهن
طَيْنَةَ: گلی
لَا يَدْكُرَ: بیان نمی شود
الْمَفْسَدَةَ: مایه تباہی
الْإِنْشَارَ: شادمانی
أَمَّا الْأَصْدَرُ اِشْرَاحاً / وَ فَمِي بِالْبَسْمَاتِ: سینه را از شادمانی و دهانم را از لبخنددها پر کن.
أَيْنَ: روشن کن
الْسَّلَامَ: آشتی، صلح
الثَّرَابَ: خاک